



فهرست

- ۲..... اشکال پنجم مقدمه موصله
- ۲..... جواب به اشکال پنجم
- ۳..... ۱: جواب نقضی
- ۳..... ۲: جواب حلی
- ۴..... تفاوت نظر مرحوم آخوند با نظر مرحوم آقای خوئی
- ۴..... اقوال در باب موصله
- ۴..... اشکال نظریه سوم



## اشکال پنجم مقدمه موصله

بحث در مطالب نظریه صاحب فصول بود. در اثبات وجوب مقدمه موصله، ابتدا ادله صاحب فصول و تابعین ایشان را بحث کردیم و ظاهراً تام بود. سپس وارد موانع و اشکالات نظریه مقدمه موصله شدیم.

اشکال پنجم: شخصی مقدمه را اتیان کرده ولی الآن نمی‌خواهد ذی المقدمه را به جا آورد. صاحب کفایه می‌فرمودند: آیا امر به مقدمه (امر غیری) برای این شخص ساقط شده است یا نه؟ اگر بگویید: ساقط نشده است (قسم اول)؛ در این صورت تحصیل حاصل می‌شود. چون عدم سقوط، مستلزم تحصیل حاصل است.

اگر بگویید: ساقط شده است، باید گفت: به چه دلیلی ساقط شده است؟ سقوط امر از شخصی یا به خاطر عصبان است (قسم دوم)، مثل اینکه نماز ظهر بر او واجب شده بود ولی به جا نیاورد. یا به خاطر تغییر موضوع است (قسم سوم)، مثل جایی که امر به دفن میتی داشت ولی الآن دفن شد و دیگر امری ندارد و یا به خاطر اطاعت است (قسم چهارم). مثلاً مأمور به نماز بود و انجام داد.

در اطاعت مقدمه، عدم سقوط مقدمه، وجهی ندارد و باید گفت: ساقط شده است. در اینجا، دلیل سقوط مقدمه، عصبان نیست چونکه انجام داده است. دلیلش تغییر موضوع هم نیست چونکه تکلیف دارد و موضوع عوض نشده است. پس دلیل سقوط مقدمه، اطاعت است که امر رابع می‌باشد با اینکه ذی المقدمه هم نیامده است. این نشان می‌دهد که وجوب، روی مقدمه به قید ایصال نیامده بلکه روی مقدمه بما هی آمده است و این خلاف آن چیزی است که مرحوم صاحب فصول فرموده است.

## جواب به اشکال پنجم

جوابی که در محاضرات و کلام مرحوم آقای خوئی آمده، یک جواب نقضی و یک جواب حلی است.



### ۱: جواب نقضی

اگر کسی بخشی از اجزاء مرکبه را در واجب مرکبه آورد و وسط کار رها کند، مثل نماز که رکعت اول را بخواند و بعد رها کند، سوال این است: امر به رکعت اول که امر ضمنی بود، آیا ساقط شد یا نه؟ اگر بگویید: ساقط نشده، این غلط است چونکه به جا آورده است.

اگر هم بگویید: ساقط شده، این یا به خاطر عصیان است در حالیکه انجام داده و عصیانی در کار نیست. یا به خاطر تغییر موضوع است ولی این چنین هم نیست. پس باید گفت: اطاعت کرده و این بخش از اجزاء مرکب، با قطع نظر از این که اجزای دیگر بیاید، امر داشته است.

### ۲: جواب حلی

بنابر آنچه در فرمایش آقای خوئی آمده است می‌گوییم: بین آن چهار فرض، او عصیان کرده است. برای اینکه مولی، مقدمه موصله را می‌خواهد. مقدمه، انجام شد ولی موصله نیست، یعنی دو قسم اول و دوم مانعی ندارد. در همین مرکب که رکعت اول را آورد و وسط کار رها کرد، امر ضمنی به این رکعت، ساقط نشده است چونکه ضمنی به وصف ترکب، لازم بود و وقتی وصف ترکب نیاید، امر هم ساقط نمی‌شود. بنابراین در فرض اول می‌گفتید: عدم سقوط، موجب تحصیل حاصل است، ولی ما می‌گوییم: مقدمه را هنوز نیاورده است چون ذات فعل با قید ایصال مطلوبیت دارد اما شما فرض گرفتید که ذات فعل با قطع نظر از ایصال، مطلوبیت دارد. تا وقتی که فرصت باشد، مقدمه، تعلیق و مشروطیت به شرط متأخر را دارد.

پس در مرکب، با اتیان بعضی از اجزاء، امر ضمنی به اجزاء ساقط نمی‌شود، برای اینکه فقط ذات آنها را نمی‌خواهیم، بلکه ذاتی را می‌خواهیم که به همراه بقیه باشد. قید که نباید ینتفی الکل بانتفاء اجزائه. در مقدمه هم مقدمه به قید «ملازمت با ذی المقدمه» مطلوب است و چون این ملازمت نیامد پس این مقدمه هم قابل قبول نیست. پس نیازی به چهار فرض درست کردن نیست تا اینکه بگوییم: اینجا فرض چهارم صحیح است که اطاعت می‌باشد. بلکه می‌گوییم: امر ساقط نشده است چونکه مطلوب، مقدمه به قید ایصال است.



## تفاوت نظر مرحوم آخوند با نظر مرحوم آقای خوئی

مرحوم آخوند می‌فرماید: مقدمه مطلقا واجب است ولی مرحوم آقای خوئی می‌فرماید: مقدمه موصله واجب است اما دلیل بر موصله بودن در جای دیگری بحث می‌شود.

### اقوال در باب موصله

در باب موصله سه نظریه وجود دارد:

۱: نظریه صاحب کفایه و برخی بزرگان که در دوره معاصر تقریبا در اقلیت قرار گرفته‌اند و می‌فرمایند: مقدمه، مطلقا واجب است.

۲: نظریه صاحب فصول و تابعین ایشان که کثیری از افراد در دوره معاصر هستند و می‌گویند: مقدمه با وصف ایصال، واجب است.

۳: نظریه بینابین که نظر مرحوم آقای حائری و مرحوم آقا ضیاء و مرحوم نائینی است. این نظریه، حد وسط است تا دچار اشکالات مقدمه موصلی (دور و تسلسل و...) و اشکالات وجدان و برهان نشوند. وجدان و ادله مثبت می‌گوید: مقدمه بدون ترتب ذی المقدمه، ارزش ندارد. از طرفی هم نمی‌توان قید ایصال را در نظر گرفت؛ چون دچار دور و تسلسل و... می‌شوند و لذا بین این دو، راه میانه‌ای را انتخاب کردند و می‌گویند: ایصال در اینجا به صورت قضیه حینیه است نه مشروطه. مرحوم آقا ضیاء می‌فرماید: مقدمه، نه مطلقا واجب است و نه مشروط به ایصال بلکه مقدمه در حین ایصال، واجب است.

### اشکال نظریه سوم

مرحوم صدر فرموده‌اند: در این مباحث، قضیه حینیه، معقول نیست چون امر به مقدمه یا مطلق است و یا مشروط. مولی مقدمه را یا مطلق می‌خواهد و یا مشروط به ذی المقدمه و می‌گوید: مقدمه، باید ما را در عالم خارج به ذی المقدمه برساند.



در واقع، مرحوم نائینی، مشروطیت و اطلاق را ملکه و عدم ملکه قرار می‌دهند ولی آقای خوئی قبول ندارند. ما می‌گوییم: وجوب یا روی مقدمه بما هی هی آمده و یا بشرط ایصال آمده است و حالت سومی نداریم. قضیه حینیه ثبوتاً قابل فرض نیست و لذا نظریه سوم، توجیه و تقریر منطقی ندارند. علیرغم این که مرحوم آقا ضیاء و مرحوم آقای حائری و ... از اعلام هستند، ولی به نظر می‌آید که حینیه در عالم ثبوت، قابل فرض و معقول نیست، هرچند در عالم اثبات، شاید بتوان فرضی برای آن تصور کرد.

عمده مباحث در مقدمه موصله بیان شد و تکمله‌ای دارد که در جلسات بعد بیان می‌کنیم.